نیمهٔ پنهان
۶
۳۲۳۷
مرتضی صفار هرندی

گزیده‌ای از رازهای دهه شصت

عبرتی ماندگار در «انتخاب اصحاب»

باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته‌اند و با اشخاص منحرف و نفوذی در بیوت شما با چهره‌های صددرصد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواسته فاجعه به بار آورند و با یک علم انحرافی، نظام را به انحراف بکشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی بزنند. الله‌الله در انتخاب اصحاب خود.

وقتی در سال ۱۳۶۲ حضرت امام در پیام به اولین مجلس خبرگان رهبری این جملات را نگاشتند، بعضی از نگاه‌ها به بیوت مراجع معظّم تقلید آن زمان دوخته شد. کسانی که امام در این پیام آن‌ها را هدف گرفته بودند، بیش از هر کس به این شائبه دامن می‌زدند.

البتـه زمینه پذیرش چنین توهمی نیز فراهم بود. چرا که حضرت امام در آن زمـان درگیر تفاوت نگاه مراجع تقلید نسـبت به مقوله‌های حکومتی و به خصوص موضوعات اقتصادی بودند. اما اندکی دقت مشخص می‌کرد که نگرانی آن بزرگمرد معطوف به جایگاه دیگری است.

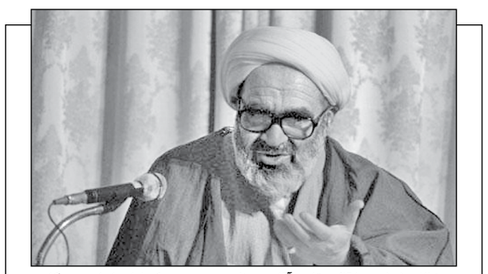

مخالفت اساسی با قائم مقامی آقای منتظری، چیزی بود که امام راحل در هنگام بررسی موضوع در مجلس خبرگان در ملاقات‌های خصوصی به صورت تلویحی آن را متذکر شده بودند و بعدها در نامه ۱۳۶۸/۱/۶ به منتظری بر آن تصریح فرمودند

پیش از این گفته شد امام از زمانی که مهدی هاشمی در شورای فرماندهی سپاه حضور داشت، فرماندهان را نسبت به وی حساس کرده بودند. زمانی از این حساسیت ویژه رمزگشایی شد که به‌دنبال تصویب اساسنامه سپاه بدون واحد نهضت‌های آزادیبخش، مهدی هاشمی امکانات تسلیحاتی و اداری این واحد را با گرفتن تأیید از آقای منتظری به تشکیلات جدیدی در بیرون از نهاد نظامی سـپاه منتقل کرد. آقای منتظری همچنین وزیر اطلاعات وقت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری را از انجام مأموریت خود از سوی امام(ره) برای ایجاد تغییر در سپاه قهدریجان و حل مشکلات سپاه منطقه اصفهان بازداشته بود.چه بسـا همین رفتارها بود که امام را واداشت تا درباره «انتخاب اصحاب» هشدار دهند. این هشدار تلویحی، در کنار اعزام فرستادگان متعدد امام به سوی آقای منتظری برای انذار او، نشان از تلاش امام برای جلوگیری از امر محتملی داشت که متأسفانه به وقوع پیوست. آقای منتظری در شرایطی از مهدی هاشمی حمایت می‌کرد که هنوز خبرگان او را به قائم مقام رهبری انتخاب نکرده بودند.

*** به‌دنبال تصویب اساسـنامه سـپاه بـدون واحد نهضت‌هـای آزادیبخش، مهدی هاشـمی امکانات تسـلیحاتی و اداری این واحد را با گرفتن تأیید از آقای منتظری به تشـکیلات جدیـدی در بیرون از نهـاد نظامی سـپاه منتقل کرد.**

موضوع افزایش نقش آقای منتظری، پس از عارضه سکته قلبی حضرت امام در زمستان ۱۳۵۸ مورد توجه برخی از خیرخواهان نظام قرارگرفت. تصور بسیاری و از جمله مرحوم حاج سـیداحمد خمینی براین بود که در میان یاران دیرینه امام کسی که به لحاظ مراتب بالای فقاهتی در عین آشنایی با مسائل سیاسی می‌تواند بار فقدان احتمالی بنیانگذار جمهوری اسلامی را به دوش بکشد، کسی جز آقای حسـینعلی منتظری نیست. حتی بخشی از نوار اظهارات شهید دکتر حسن آیت در جمع تعدادی از دانشجویان که منافقین به عنوان «نوار کودتا»، از آن یاد می‌کردند، به ضرورت پی‌گیری همین امر مربوط می‌شد. عدم اطلاع از نگرانی‌های امام نسـبت به نقاط ضعف آقای منتظری، سرانجام به طرح ایده قائم مقامی او از سوی یکی از ائمه جمعه وارسته اما فاقد آگاهی از پشت صحنه فضاسـازی تبلیغاتی اطرافیان آقای منتظری، منجر شـد. این در حالی بود که جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با توجّه به شناخت نزدیک اعضای آن با ویژگی‌های شخصیتی آقای منتظری و نیز بیت او بدون نتیجه قاطعی درباره قائم مقامی او سـپری شده بود. مخالفت اساسی با قائم مقامی آقای منتظری، چیـزی بود که امام راحل در هنگام بررسـی موضـوع در مجلس خبرگان در ملاقات‌های خصوصی به صورت تلویحی آن را متذکر شـده بودند و بعدها در نامـه ۱۳۶۸/۱/۶ به منتظری بر آن تصریح فرمودند، اما تبلیغات کاذب و خلط این مسئله با اختلافات سیاسی و مدیریتی در مجموعه نیروهای خط امام، امکان شنیدن این سخن متفاوت را به هیچ‌کس نداد.

آقای محمد محمدی ری‌شهری در کتاب سنجه انصاف نقل می‌کند:

آیت‌الله محمدی‌گیلانی در تاریخ ۷۹/۹/۶ به مناسبت شهادت حضرت امام کاظـم(ع) در منزل آقای علی رازینی ضمن سـخنرانی گفت: یک روز قبل از مطرح شدن قائم مقامی آقای منتظری در مجلس خبرگان (۱۳۶۴/۴/۲۵) من ضمن تماس با دفتر امام(ره) کتبا (از طریق آقای توسلی و آقای رسولی) از ایشان درخواست ملاقات کردم. در آن موقع اعلام شده بود که امام تا پانزده روز ملاقات ندارند. من در تکه‌کاغذی نوشـتم مطلبی واجب و ضروری اسـت احساس وجوب کردم به عرض مبارک برسانم. امام اجازه دادند خدمتشان رسیدم.

*** امام خمینـی (ره): باید بدانید کـه تبهکاران و جنایت پیشـگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته‌اند و با اشـخاص منحـرف و نفوذی در بیوت شـما با چهره‌های صددرصد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواسـته فاجعه به بار آورند و با دست شـما به اسـلام و جمهوری اسلامی سـیلی بزنند.**

گفتم: «فردا قرار است موضوع قائم مقامی آقای منتظری در مجلس خبرگان مطرح شود خواستم برسانم به آقای هاشمی بگویید مطرح نشود. من به آقای منتظری ارادت دارم خدمتشـان درس خوانده‌ام ایشان را عابد و زاهد می‌دانم؛ ولی این خصوصیات کافی نیست او از عهده این کار بر نمی‌آید.»...

امام، گله‌های سوزانی از آقای منتظری را آغاز کرد که کجا چه کرده و کجا چه...! و اضافه فرمود: «احمد هم از او دفاع می‌کند! از منزل سید مهدی هاشمی، دسـت‌نویس‌های او را آورده‌اند من دیدم نامه‌های آقای منتظری از نوشته‌های مهدی هاشمی الهام گرفته! این را من برای ایشان نوشتم.»

سخن امام که به اینجا رسید، من گفتم: «بله! آقای سید عباس و سیدجعفر کریمی و چند نفر دیگر هم بودند.»

امام فرمود: «او این‌طور است!»

عرض کردم: «بفرمایید که فردا ایشـان به عنوان قائم مقام رهبری مطرح نشود.»

امام قدری فکر کرد و فرمود: «احمد نیست می‌شود شما زحمت بکشید و به آقای هاشمی بگویید من بعدازظهر ایشان را ببینم؟»

عرض کردم: «بله؛ اما به آقای هاشـمی نگویید من آمدم (و این جریان را خدمت شما گفتم). به هیچ‌کس نگویید. می‌ترسم مرا هم شمس‌آبادی کنند یا مثل شیخ قنبر در چاه بیندازند!»

این را که گفتم، امام ـ اعلی‌الله مقامه ـ سـه بار خندید و فرمود: «خاطرت جمع باشد».

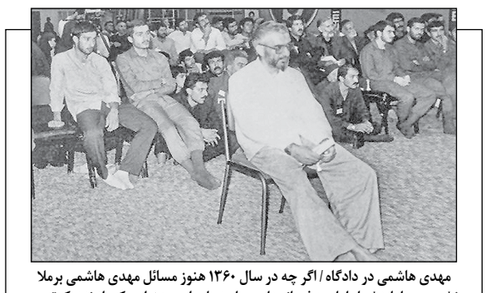

مهدی هاشمی در دادگاه / اگر چه در سال ۱۳۶۰ هنوز مسائل مهدی هاشمی برملا نشده بود، اما هشدار امام به فرماندهان سپاه درباره او به عنوان یکی از نزدیک‌ترین افراد به آقای منتظری، مربوط به همین مقطع است.

از دفتر امام حرکت کردم و آمدم شـورای نگهبان. جلسـه تمام شده بود و بعد رفتم خدمت آقای هاشمی و گفتم صبح خدمت امام رسیدم. کاری داشتم. فرمودند به آقای هاشمی بگویید که من ایشان را ببینم...

شـب، بعد از نماز مغرب و عشـا خانم حاج احمد زنگ زد که حاج آقا! امام فرمودند: «آنچه ما امروز صحبت کردیم مبادا از شما تجاوز کند.»

گفتم: «همین‌طور است.»

فردای آن روز، آقای هاشمی موضوع قائم مقامی آقای منتظری را در مجلس خبرگان مطرح کرد !!

آقای محمدی گیلانی اضافه کردکه:

پس از این ماجرا، روزی آقای هاشمی در حضور جمعی گفت: من بعدازظهر رفتـم خدمت امام. امام فرمودند: «موضوع قائم مقامی آقای منتظری را مطرح نکن.» گفتم: «چرا؟ ما در اجلاسیه قبل به آقایان گفته‌ایم که ایشان را به عنوان قائم مقام مطرح کنیم.»

فرمود: «نه! یکی از دوستان آمده و چنین گفته...»

گفتم: «ما اعلام کرده‌ایم نمی‌شود!!!»

نکته عجیب در این میان بی‌اطلاعی نزدیک ترین افراد به حضرت امام مثل مرحوم حاج سیداحمد خمینی، از نظر آن راحل عظیم الشان در اولین مراحل است. این نکته را در ابراز نگرانی آن مرحوم نسبت به مخالفت جامعه مدرسین با قائم مقامی آقای منتظری در زمستان سال ۱۳۶۰ می‌توان دید. اگر چه در سال ۱۳۶۰ هنوز مسائل مهدی هاشمی برملا نشده بود، اما هشدار امام به فرماندهان سپاه درباره مهدی هاشمی به عنوان یکی از نزدیک‌ترین افراد به آقای منتظری، مربوط به همین مقطع اسـت. علت نگرانی دوستان دیرینه آقای منتظری در جامعه مدرسین در نامه مرحوم آیت‌الله مشکینی دبیر این جامعه به وی در اول مهرماه ۱۳۶۴ قابل مشاهده است:

نظر اغلب دوستان برای روز مبادا شمایید. لکن با یک نگرانی از ناحیه بیت و بعضی حواشـی آن جانب که متأسفانه مراجع قبلی پس از مرجعیت گرفتار می‌شوند و شما قبل از آن. من در این‌باره لامتثال امر کلی می‌گویم پیوسته از دوستان صمیمی‌تان اظهار ناراحتی می‌شنوم.

ایـن موضوع به همان‌اندازه که نگرانی بزرگانی مثل آیت‌الله مشـکینی را برانگیخته بود، ضدانقلابیونی را که امکان رصد کردن واقعی مسائل داخل کشور را داشتند، امیدوار می‌کرد.

خاطرات
مرضیه حدیدچی (دباغ) - ۴۵

کنار رفتن از فرماندهی سپاه همدان

روزهای سختی بود، برادران با جدیت و سختکوشـی تمام، عاشـقانه و خالصانـه، کار می‌کردنـد. بـه راسـتی هیچ انگیـزه‌ای جـز انگیـزه الهی نمی‌توانسـت این بـرادران را چنین شـب و روز به‌کار گیرد. سه شـب و روز بود که برادران تـلاش می‌کردند و مـن نیز با ایشـان همراه بودم. شب سوم، بعد از نماز مغرب و عشا ناگهان احسـاس ضعف کردم، چشمم جایـی را نمی‌دیـد و گوشـم صدایـی را نمی‌شـنید، هرچه حـرف می‌زدنـد نمی‌فهمیدم، دیـدم حضـورم بدین شـکل فایـده‌ای نـدارد، به بـرادران گفتم من می‌روم نیم سـاعتی اسـتراحت کنم تا حالم خوب شـود. باغچه‌ای در آنجا بود که به لحـاظ امنیتی چراغی در آن روشـن نبود و تاریـک بود. در خـواب و بیداری بـودم که به طـرف باغچه رفتـم، پتویی بر روی زمین انداختم و خوابیدم، غافـل از اینکـه باغچه خیس است. آن‌قدر خواب بر من غلبه داشـت که هیچ احساس نکردم آنجا آبیاری شده و خیس است.

حـدود ۴۵ دقیقه بود که در خواب عمیق فرو رفته بودم که ناگهان با صدای شلیک گلوله‌ای از خواب جسـتم. دیدم سرتاپا خیـس آبم، با پتـو همین‌طور داخـل باغچه فرو رفتـه بودم. وضعیت عجیبـی بود، در حالی که از لباس‌هایم آب می‌چکید به طرف بچه‌ها رفتم. دیدم برادری که مردم را دسـته دسته کرده بـود و به آنها آمـوزش می‌داد سـهوا تیری شـلیک می‌کند و به پاشـنه یکی از افراد مردمی می‌خورد.

هنـوز آفتاب نـزده بود که خبر رسـید منافقین به همین بهانه(گرفتن اسلحه برای مقابله بـا متجاوزین) به یکـی دیگر از پایگاه‌هـای نظامـی حملـه کرده اسـلحه‌خانه آنجا را غارت کرده‌انـد. ایـن امر نشـان داد کـه نگرانی ما بی‌مـورد نبود و الحمدلله ما بـا جدا کردن افراد مشکوک از مردم دچار مشکلی نشدیم. در حالی که به بسیاری از نیروهای مردمی آموزش هم داده بودیم.

حقوق و ایثار

برادران سپاهی که آن روزها با ما در سـپاه همکار بودند، واقعا با جان و دل آمده بودند و جز انگیزه خدایی منظور دیگری نداشـتند. روحیه انقلابی و شور و ایمان آنها و نیز سختی‌ها و شداید و شرایط و فضای ناامـن منطقه غرب آنها را قـوی و محکم کرده بود و هیچ نمی‌خواسـتند جز عقوبت خیر و رفتن به سوی شهادت.

ایشـان شـب و روز نمی‌شـناختند، خانـواده و پدر و مادر و... نمی‌شناختند. هرچه بود در دایره انقلاب بود و اسلام. هیچ کـس به خاطر حقـوق و مزایای مادی به این راه نیامده بود و اصلا صحبت در این خصوص برای آنها کسـر شـأن بود. ولی ما به حکم مسئولیت و وظیفه‌ای که داشتیم نمی‌توانستیم نسـبت به خانواده ایشـان و حوائج آنهـا بی‌تفاوت باشـیم. آنها هر یک سرپرسـتی زن و چنـد بچه و یا حداقل پدر و مادر را به عهده داشتند و اغماض از نیازهای آنـان دور از وظیفه و تکلیف ما بود.

از مرکـز نامه‌ای رسـیده بود که به برادران سـپاه ابلاغ شـود تا میـزان حقوق مورد نیازشـان را اعلام کنند. آنهـا وقتی از این ابلاغ مطلع شـدند، ناراحت شدند و گفتنـد که ایـن حرف‌ها یعنی چـه، ما کـه برای حقـوق اینجا نیامده‌ایـم، اگر بـه دنبال حقوق بودیـم جای دیگر و یا در شـغل قبلی خود تامین بودیم. من هرچه برای ایشان استدلال می‌کردم آنها متقاعد نمی‌شدند که خود حقوقی را پیشـنهاد دهنـد. می‌گفتنـد همین که ما ناهار و شـام را اینجا می‌خوریـم و لباسـمان را هم از سـپاه می‌گیریم برایمـان کافی اسـت دیگر چه می‌خواهیم، کار برای قـرآن و خدا و حرکت برای قوت اسلام حقوق نمی‌خواهد.

مـن در جـواب می‌گفتم مگر فقط بحث سـر و وضع و شـکم خود شماسـت، پـس خانواده‌ها و افراد تحت تکفل شـما چه کار بایـد بکنند. اگر نیاز خود را اعلام نمی‌کنیـد، میزان نقـدی حوائج ماهیانه آنها را تقریب بزنید، ما به شما حقوق نمی‌دهیم بلکه خرجی خانواده می‌دهیم.

این صحبت‌ها موثر واقع نشـد و نهایتـا من خود رقـم و میزانی را برای هر یک که شـدیدا امتناع می‌کردند، اعلام کردم.

فـردی بود بـه نـام حاج‌آقا مختـاران که واقعا عاشـقانه و از سر عشـق و ایمان به سپاه آمده بود و زحمت بسـیار چشمگیری می‌کشـید. او فردی بسیار معتقد و انقلابی بود که از همان روزهای اول تشکیل سپاه به یاری ما آمد، با وجود آنکه شـغل او قنادی بود و درآمد بسـیار خوبی داشت ولی مغـازه قنادی خـود را فروخته و پولش را خـرج انقلاب کرده بود. او در آن ایـام به هیچ وجه حاضر نشـد که از سـپاه حقوق بگیرد. بعدها فهمیدم که همسر او علاوه بر بچـه‌داری و خانه‌داری در طی روز، شـب‌ها جـوراب می‌بافت و پسـرش روزها آن را می‌فروخت و بدین شکل خرج زندگی‌شان را تامین می‌کردند.

*** در جریـان نبـردی با ضـد انقلاب در غرب کشـور و در کردسـتان طـی عملیات گشـت و شناسـایی بر اثر اصابت ترکـش خمپـاره از ناحیه پا به شـدت مجروح و به بیمارسـتان شـهید مصطفـی خمینی منتقل شـدم.**

فرمانده لنگ

مـن چـه در زمانی کـه در فرانسـه، در نوفـل لوشـاتو در خدمـت امام بودم و چـه بعد از آن در مسـئولیت‌های مختلفـی که بـه عهـده داشـتم وقتی بـرای ارائه گزارش و یا کسـب راهنمایـی و رهنمون به محضر ایشان می‌رسـیدم، معظم‌له را «حاج‌آقا» خطـاب می‌کردم و امـام هم مرا «خواهـر طاهره» صدا می‌زدند.

در جریـان نبـردی با ضد انقـلاب در غرب کشـور و در کردسـتان طی عملیات گشت و شناسایی بر اثر اصابت ترکش خمپـاره از ناحیه پا به شـدت مجروح و به بیمارسـتان شهید مصطفی خمینی منتقل شـدم. پس از مدتی، جراحی و درمان موثر افتـاد و حالم رو به بهبود رفت و هنگامی که توانسـتم با عصای زیر بغل بایستم به دیدار حضرت امام رفتم. امام با دیدن وضعیت من، متبسـم شدند و فرمودند: «عجـب! فرمانده هم لنگ می‌شود!» در سال ۱۳۶۱، بعد از این دیدار بود که به خاطر مشکل پایم از سمت فرماندهی سـپاه همـدان کنـار رفتم و مسـئولیت بسـیج خواهران را پذیرفتـم و در عرصـه دیگری مشغول به فعالیت شدم.

به یـاد دارم کـه روزی در همیـن مسـئولیت، بـا همان وضعیـت و ظاهـر همیشـگی یعنی با پوشـش مانتو و شلوار و مقنعه خدمت ایشان رسیدم. حضـرت امـام در ایـن دیدار خیلی راحـت به مـن گفتند: «شـما چرا چادر ندارید؟ بگویم احمـد برایتان چـادر بخرد!» عرض کـردم: «حاج‌آقـا چادر دارم ولی نمی‌شـود با اسـلحه و قطار فشـنگ و بـا تجهیزات دیگر از کوه و تپـه بالا رفت.» امـام فرمودند: «حالا که شـما دارید توی شهر کار می‌کنید.» و ایـن تذکر امام برای من ملکه شد تا در تمام اوضاع و احوال و در منظر جامعه با پوشش کامل چادر ظاهر شوم

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

صاحب عکس علی یوسـفی فرزند قدرت‌الله به شماره شناسنامه ۵۶۸۴ متولد ۱۳۵۲ اهل و ساکن دانسفهان بوئین‌زهرا با پیراهن شیری رنگ، شلوار و کفش مشکی، دارای اختلال روانی از مورخ ۱۳۹۶/۴/۸ از منزل خارج و تاکنون مراجعتی نداشته است. علیهذا در اجرای دستور مقام محترم قضایی برای چاپ در روزنامه اقدام می‌شود.
چنانچه کسـی از نامبرده خبری دارد به شماره ۰۲۸۳۴۲۲۳۱۱۲ (پلیس آگاهی بوئین‌زهرا) اطلاع دهد.
رئیس پلیس آگاهی ف. ا شهرستان بوئین‌زهرا - سرگرد رسول ولی‌پور

رونوشت آگهی حصر وراثت
خانم زهره نجفی شهرسـتانکی دارای شـماره ملی ۵۰۹۰۱۲۶۵۴۳ به شـرح دادخواسـت به کلاسـه ۹۶۰۹۹۸۲۸۹۰۱۰۰۱۵۳ از این شـورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نمـوده و چنین توضیح داده که شـادروان مجید رضائی شهرستانکی به شـماره ملی ۵۰۹۹۸۶۷۱۰۳ در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۰ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- شعبان رضائی شهرستانکی دارای ش. ملی ۵۰۹۰۱۴۶۶۸۳ پدر متوفی ۲- محبوبه غلامی دارای ش.ملی ۵۰۹۰۱۴۶۶۸۳ مادر متوفی ۳- زهره نجفی شهرسـتانکی دارای ش. ملی ۵۰۹۰۱۴۶۵۴۳ همسـر متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواسـت مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسـی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.
قاضی شعبه دوم شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا

بـرگ سـبز و کارت مشـخصات خـودرو سـواری پـژو PARSTU۵ به شماره پلاک ۶۱۲م ۹۴ - ایران ۱۴ به رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور ۱۶۴B۰۰۶۱۹۵۲ و شماره شاسـی NAAN۱۱FE۳GH۷۰۳۱۸۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب رضا علی رستمی مالک خودرو پیکان پژو آردی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۷۸۱ ب ۶۴- ایران ۱۹، شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۱۰۱۲۳ و شماره بدنه ۲۳۴۰۳۷۳۵ به علت فقدان برگ کمپانی (اسناد فروش) تقاضای رونوشت/ المثنی اسـناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعائی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج شـهرک پیکانشهر- سـاختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی دعوت سهامداران شرکت عمران‌ساری گذر ایرانیان (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۱۷۱۷ ساری و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۳۹۲۳۹۰ جهت تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده
بدینوسـیله از کلیه سـهامداران شرکت عمران‌ساری گذر ایرانیان (سـهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۱۷۱۷ دعوت می‌شـود تا در جلسـه مجمع عمومی عـادی بطور فوق‌العاده که در سـاعت ۱۵ مورخ ۱۳۹۶/۵/۳ به آدرس مازندران شـهر سـاری - شـهداء - خیابان فرهنگ - کوچه فرهنگ ۳۸ (شهید شیراوژن) ساختمان موج ۷۵ - طبقه اول - کدپستی ۴۸۱۸۶۷۳۶۵۸ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.
* دسـتور جلسـه عمومی عادی بطور فوق‌العاده: ۱- انتخاب اعضای هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسین ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار.
هیئت مدیره شرکت

سـند کمپانی خودرو سـواری پژو پـارس xu۷ به شـماره پلاک ۷۷۹م ۸۲- ایران۱۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور ۱۲۴k۰۸۶۵۴۰۳ و شماره شاسـی NAAN۰۱CE۶GH۸۷۳۷۶۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آقـای کیوان فتحی‌اله‌دهی فرزند کرم متهم اسـت به تحصیل مال از طریق نامشـروع موضوع شـکایت آقای مهدی قربانی فرزند قدرت‌اله که پرونده ایشـان به این شـعبه ارجاع و به کلاسه ۱۰۱/۹۶۰۴۸۴ در این شعبه ثبت شده است. نظر به اینکه وقت رسیدگی آن به تاریخ ۱۳۹۶/۵/۳۰ ساعت ۱۱/۳۰ صبح تعیین شده است و با توجه به عدم دسترسی به متهم و به تجویز ماده ۳۴۴ قانون آئین دادرسـی کیفری وقت رسـیدگی فوق یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌شـود که در صورت عدم حضور متهم یا عدم ارسـال لایحـه دفاعیه و یا عدم معرفی وکیل از طرف متهم رای مقتضی صادر و ظرف بیست روز قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد.
منشی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر بوئین‌زهرا (۱۰۱ جزایی سابق)- رضا گودرزوند چگینی
شهرستان بوئین‌زهرا- بلوار امام خمینی- خیابان ولیعصر غربی- دادگستری شهرستان بوئین‌زهرا

رونوشت آگهی حصر وراثت
نظر به اینکه آقای نعمت‌اله آزادمنجیری دارای شناسنامه شماره ۷۴۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۵/۹۶/۲۳۳ از این شـورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خانم شوکت آزادمنجیری به شناسنامه ۱۸۹۱ در تاریخ ۹۶/۳/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- نعمت‌اله آزادمنجیری (پدر) فرزند محمدحسن ش‌ش ۷۴۲- تولد ۱۳۳۷، ۲- هاجر باغانی (مادر) فرزند حسین ش‌ش ۶۴۷- تولد ۱۳۳۷
اینک با انجام تشـریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسـی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشـد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.
رئیس شورا- شعبه ۵ شورای حل اختلاف سبزوار

آگهی مجدد مزایده اموال توقیفی
نظر به اینکه به موجب پرونده کلاسـه ۹۰۰۱۸۱ اجرایی درخصوص محکوم علیه شـرکت تعاونی مسکن کارکنان شـرکت تعمیر و نگهداری بندرامام(ره) محکوم است به پرداخت مبلغ ۲/۱۵۹/۳۹۹/۲۵۸ ریال بابت اصل خواسـته و هزینه دادرسی (دادرسی و کارشناسی) و حق‌الوکاله وکیل و تأخیر تأدیه از تاریخ ۸۶/۶/۱۱ لغایت اجرای حکم در حق محکومله شـرکت شـاهنگ بختیاری به نمایندگی سیدعلی صالحی‌زاده و نیز پرداخت مبلغ ۲۱/۷۶۳/۷۵۶ ریال بابت نیم عشـر دولتی در حق دولت حسـب درخواسـت محکومله ملک محکوم‌علیه شـامل یک باب واحد مسـکونی با سازه سنتی و سـقف تیرچه بلوک و در دو طبقه با کاربری مسـکونی و دارای سـه خواب، هال، پذیرایی و آشـپزخانه اوپن با کابینت MDF و حمام و توالت و ملک با نمای سـرامیک و کف موکت و جهت ملک سـند صادر نشـده و فقط برگ افرازی که در آن قید شده پلاک بشـماره ۴۰/۴۰۹۷/۱۴۲۳۳ بخش ۹ خرمشهر دارای عرصه‌ای به مساحت ۲۸۶ مترمربع و اعیان آن ۲۲۰ مترمربع و دارای اشـتراک برق و آب و گاز می‌باشـد که ارزش هـر مترمربع عرصه آن ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش هر مترمربع اعیان آن ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش اشـتراکات آن ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ارزش محوطه‌سازی و آماده‌سـازی ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال که کلاً و جمعاً به ارزش ۳/۸۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط کارشناس رسمی ارزیابی و مقرر گردید که از طریق مزایده در مورخ ۹۶/۵/۱۶ از ساعت یک الی ۲ بعدازظهر در محل اجرای احکام دادگاه بندر امام(ره) به اجرا گذاشـته خواهد شـد و مزایده از قیمت کارشناسی تعیین شـده شـروع و مال متعلق به کسی خواهد شـد که بیشترین قیمت پیشـنهادی را ارائه نماید و خریداران می‌توانند ظرف پنج روز قبل از موعد جهت کسب اطلاع بیشتر و ملاحظه اموال به این اجرا مراجعه نمایند.
مدیر دفتر اجرایی احکام مدنی شعبه اول دادگاه عمومی بندر امام‌خمینی(ره)- محمدی

آگهی ابلاغ
خانم فاطمه‌جان دهقان مهرجردی فرزند محمد به شناسنامه ۱۸۰۲ صادره از میبد عیال مرحوم آقای ابوالحسـن زارع مهرجردی بدینوسیله به اطلاع می‌رسـاند در اجرای تبصره یک مـاده ۱۰۵ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت بهای یک شـانزدهم اعیانی سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک ۷۹۲۴/۳ واقع در بخـش ۲۱ یزد که متعلق به شماسـت طبق نظریه کارشناسـی دادگسـتری میبد به میزان ۹۳۷/۵۰۰ ریال رایج جمهوری اسـلامی ایران تعیین گردیده اسـت و به حساب سپرده این اداره از طرف مالک فعلی واریز گردیده است. بنابراین جهت وصول مبلغ فوق به این اداره مراجعه و چنانچه مدعی تضییع حق خویش نسبت به مبلغ یاد شده می‌باشید ظرف مدت یک ماه پس از انتشـار آگهی می‌توانید به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی طرح دعـوی خویش را به این اداره ارائه نمائید در صورت فوت خانم فاطمه‌جان دهقان مهرجردی وراث وی می‌توانند با در دسـت داشتن مدارک قانونی و گواهی حصر وراثت جهت دریافت مبلغ نسـبت به سهم‌الارث خود به این اداره مراجعه و یا طرح دعوی نمایند.
رئیس ثبت شهرستان میبد- محمد هادی بیکی

آگهی اخطار افراز
نظر بـه اینکه آقایان غلامرضـا زارع ده‌آبادی فرزند حسـن، رضا علـی برزگر بفروئی فرزند تقی و رضا حیـدری فرزند علی‌اکبر طی دادخواست شماره ۵/۲۰۲۴۳ مورخ ۹۵/۱۱/۵ تقاضای افراز سهم خود از پلاک ۱۰۵۲۳ بخش ۲۲ یزد را نموده‌اند جهت بررسـی موضوع، وقت معاینه محل برای ساعت ۹ صبح مورخ ۹۶/۴/۲۸ تعیین گردیده است لذا از شما آقای رضا برزگر فرزند صمد به عنوان مالک مشاعی به دلیل عدم استنکاف از دریافت ابلاغ اخطار افراز، دعوت می‌شود در موعد مقرر در محل اداره ثبت میبد حاضر شـوید تا به همراه نماینده و نقشه‌بردار ثبت به محل وقوع ملک عزیمت شود بدیهی است عدم حضور شما مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.
تاریخ انتشار: ۹۶/۴/۲۱
هادی بیکی ده‌آبادی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان میبد

آگهی تغییرات شرکت عمران گستران آذین کویر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۹۵۴۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۸۹۹۰۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: سرمایه شـرکت از مبلغ یک میلیارد ریال به مبلغ دویست میلیارد ریال منقسم به دویست میلیون سهم یکهزار ریالی با نام از محل مطالبات حال شده سهامداران افزایش یافت در نتیجه ماده مربوطه اساسـنامه به شـرح ذیل اصلاح گردید. ذیل ثبت از لحاظ افزایش در تاریخ فوق تکمیل امضا شد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران (۶۰۲۵۳)

آگهی تغییرات شرکت خدمات کامپیوتری بسته‌پرداز سهامی خاص به شماره ثبت ۷۱۳۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۶۲۸۳۹
به استناد صورتجلسـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۳/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای نصراله محمدی شماره ملی ۰۰۴۲۵۹۲۹۷۶ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای مسعود محمدی شماره ملی ۰۰۸۱۳۱۰۰۰۵ به سمت نایب رئیس هیئـت مدیره آقای مهدی محمدی شـماره ملی ۰۰۷۵۹۹۲۱۳۲ به سـمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره انتخاب شـدند. کلیه اوراق و اسـناد رسمی و تعهدآور شـرکت و قراردادها و اوراق بهادار بانکی و عقود اسـلامی و غیره با امضای هر یک از اعضای هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عـادی و نامه‌ها و مکاتبات اداری با امضای هر یک از اعضای هیئت مدیره و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۶۰۲۵۷)

آگهی تغییرات شرکت شیمیایی شمین سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۹۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۵۴۵۵۶
به استناد صورتجلسـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: خانم پونه عطارچی طهرانی با کد ملی ۰۴۵۲۳۶۰۱۰۲ به سمت ریاست هیئـت مدیره، آقای رمضانعلی جلیلوند ک.م ۵۵۹۹۱۶۲۹۷۴ به سـمت نایب رئیـس هیئت مدیره و آقای رضا عطارچی طهرانی با کد ملی ۰۰۳۸۴۱۰۶۳۱ به سمت عضو هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره ابقا گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار تعهدآور از قبیل چک، سفته و بروات و کلیه قراردادها و عقود اسـلامی با امضا رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل متفقا همراه با مهر شـرکت و سایر اوراق عادی و اداری با امضا رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۶۰۲۵۸)

**آگهی تغییرات شرکت کنترل فرآیند پاسارگاد سهامی خاص به شما